فرهنگ و انقلاب

* غالب روشنفکران مشروطیت، شیفتگان فرهنگ غربی بودند، اما گروهی نیز می‌گفتند: «ما یك دین ۱۴۰۰ ساله داریم».

* غالب تاریخ‌نویسان ما «مشروعه» خواهان را بر جای انقلاب جا زده‌اند. شیخ فضل‌الله نوری اینگونه ضد انقلاب شد!

* حتی از سنگر خودمان کسانی بودند که اصرار می‌کردند لای این دو کلمه «جمهوری اسلامی»، کلمه «دمکراتیك» را جا بکنند!

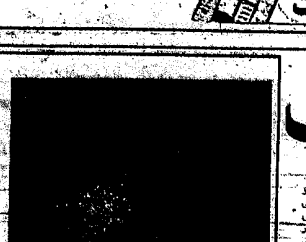

«فرصتی پیش آمده تا فرزندیه فرهنگ انقلاب حسرتی بزنم. یقین دارم این مسئله برای شما هم هست که برای من واژه لحاظ مهمست. یکی به لحاظ عوض شدن واژه فرهنگ که جزء لاینفک وسائل ماست، و دیگر به لحاظ انقلاب. این دیدن، یادآوری است برای فرد فرد این ۳۵ میلیون ساکنین این منطقه. گفتم فرد با شادی، چونکه جامعه انقلابی ما در حالت وضع حمل یك رژیم کارآمد است!»

دکتر آل‌احمد این مطلب را در سخنرانی خود پیرامون «فرهنگ و انقلاب» در انجمن همفکران ایران عنوان کرد و افزود: فرهنگ مجموعه باورها و آداب و سنن یك قوم است. مسلمانان رسولان این باورها هستند. بنابراین بار این سنن، آمادیرا از طریق خودمان تحویل گرفتیم که نسل آینده تحویل دهیم. ولی مانه آنچنان که یك جن‌صوت و مرآتیم بما هرشخص، از نسل با نسلهای پیش بدون هیچ گونه دخل وتصرفی‌ما هرچنانکه بنامرشده شده، مانیز وظیفه داریم نسل بعدی‌خود بدهیم. ما انسان هستیم. ما باشعاع یا یك ظرفی نیستیم وشیءوتابیم بوده باشیم تا آن محتوایی را که بدوش می‌زنند عینا هروقت کسودرنیاز شد همچنانکه دیشانه‌ها، باز فرهنگ را جذب می‌کنیم، همینهم می‌کنیم. به شیوه ظرف ذهنی خودمان آنچیزهائیکه بعما ارائه‌شدست اینها را می‌گیریم. بسیاری خودمان هنگام تحویل دادن، چیزی به آن می‌افزائیم. اگراین افزایش قوی بود، فرهنگ فرهنگی‌بوده‌است. ولی‌اگر نبود، یك انقلاب متکامل نبود کمشد. اگراین چنین نبود فرهنگ امروزی بشری اینه نمیشد. مثلا‌ابن‌سینا‌بود که‌ابن‌سینا‌بود. ابن‌سینا، رشد، تصرف کننده قرآن وغیره‌ابن‌سینا محصول شناخت، اگر من وتو به عنوان فرهنگی با مرفهای که انتقال فرهنگ انقلاب باشد، دراین حوادث حضور نداشته‌باشیم یا در سنبی‌حضور داشته باشیم که انقلاب نبوده، ما وظیفه‌مان متکثر خواهیم شد. هایك باور مدرن را، یك‌چیز مشخص، یك‌فرهنگ‌ما، رفتاری را تحویل می‌گیریم. اگر یك مطلب، که متحیری‌حیدر از تصرف بکنیم به نظر بعد تحویل بدهیم، در لحظه انقلاب ما محوّاره خودمان یك سرباز‌انقلاب میشیم. ضرباتیکه فرهنگی‌بوده‌است. وظیفه‌ما شناختن عناصر اختیار و نیاز‌ما این انقلاب‌است‌که‌بوده‌است. ما‌عناصر شناخته‌بیجیدگیهای روزمره جامعه خودمان بودیم. بیه این ساخت ما می‌خواهیم زندگی را داشته بوده باشیم که‌داشته‌ایم از روی دست نفر نصیحت‌جهان یا راستان نگاه نکرده باشیم. می‌خواستیم سرمان روی ورقه خودمان باشیم. به ابتلائهای خودمان، نوع زیستن را کتابها جانشین سلطنت حافظ شده یکیم مشیم. وظیفه انقلاب کرده‌جمهوری اسلامی. دیدیندراین چند ماهه اخیر که گذشت توانی‌ما‌ساختن خاتمه